



نجیبه آرش

## نوروز فراتر از تاریخ است

عمر نوروز به اندازه عمر زمین است . وقتی زمین در مدار خورشید قرار گرفت و به گردش آغاز کرد؛ سال ، ماه و فصل پدیدار شد . نوروز نیز با شروع فصل بهار آغاز شد . نوروز یعنی روز نخست سال ، روز جشن و پای کوبی . این روز به عهد آریایی های قدیم ارتباط میگیرد . نو روز کدام آیین نامه مذهبی ، قومی ، قبیله ای ؛ کدام مرام و تفکر سیاسی نیست ، بل جشن سرسبزی طبیعت است .

در شاهنامه فردوسی آمده است که جمشید پایه گذار آیین باستانی نوروز میباشد . جمشید بعد از هجرت آریایی ها به سر زمین های جنوبی ، آنها را منسجم ساخته و اولین دولت را پایه گذاری نمود و قوانین اجتماع را وضع کرد . او مبتکر و توسعه دهنده همه فنون ، علوم و هنر های همان زمان میباشد . او به زمین که مادر همه موجودات حیه است ارج میگذارد . او نوروز را ، روز اول رستاخیز زیبایی و شور شگفتن طبیعت دانسته ، جشن میگرفت . از آن به بعد جشن نوروز به مثابه یک عنعنه بهاری در سراسر جهان با تقویم های مختلفی بر گذار میگردد . و اما در کشور عزیز ما افغانستان روز اول ماه حمل مطابق ۲۱ مارچ روز نوروز است . از این روز پر میمنت با پاک کاری منازل « خانه تکائی » و پوشیدن لباس های رنگارنگ ، پخت و پز ، سبزی چلو ، سمنک ، تهیه هفت میوه « هفت سین » و سر گرمی های بیرون از منزل نمایشات محصولات دهاقین ، رژه عنعنوی دهاقین در استیدیوم کابل و سایر ولایات کشور ، میله باغ بابر ، بلند شدن جنده های مبارک در مزار شریف و در بر خی ولایات دیگر ، براه اندازی بازی های ملی چون نیزه بازی ، اسپ دوانی ، پهلوانی و بزکشی استقبال بعمل میامد .

راستش من برای اولین بار بازی ملی بزکشی را از نزدیک در غازی استیدیوم کابل در نوروز ۱۳۶۸ دیدم . چاپ اندازان در حالیکه از پهلوی اسپ آویزان بودند در یک نقطه هجوم می آوردند تا لاشه بز را ( که در اصل یک گوساله ی سنگینی است ) از زمین بر بایند ، ولی در میان ازدحام و هیاهوی سوارکاران چاپک تاز که این کار هم چندان آسان نبود . اسپ ها دیوانه وار شیهه میکشیدند و بدور خود میچرخیدند و یکدیگر را گاز میگرفتند تا اینکه در میان هلله ، شور و شادی تماشاچیان ، چاپ انداز ماهر ی با غریو و نعره صف ها را شکستاده با قوت به پیش می تازد و لاشه بز را به دایره ی معین می اندازد . البته برای من بازی تماشایی و جالبی بود .



متاسفانه که این همه دید ها و خاطره ها به گذشته ماند و سه دهه جنگ کمر جامعه ما را شکستاند. بهاران به خون آغشته شد گلوله های بغض، بدبینی، عداوت و دشمنی به تحریک دشمنان خاک ما چه آسان، سینه های وطنداران و عزیز ترین کسان ما را نشانه گرفت . و به قصد تخریب فرهنگ کهن ما خواستند رسم نوروز را بر چینند و بجای آن باور های قومی، قبیله‌ای، مذهبی خود را گسترش دهند . تاریک اندیشان خرد ستیز به حرام بودن نوروز «فتوا» دادند . و نگذاشتند مقدم نوروز را استقبال کنیم ، نگذاشتند کودکان و جوانان ما لباس های رنگارنگ بپوشند و آزادانه نفس بکشند. سفره ها بدون هفت میوه و سمنک شد. زن ها به سبزه کوبی نرفتند. آری در کشوری که جواب لبخند مشت باشد و پاسخ آزادی- گلوله، دُرّه و سنگسار باشد، بهار و روز نو و کهنه چه مفهوم دارد؟ همه روز ها روز کشتار است! زمین که مهد رویش و پرورش نباتات، حیوانات و انسان ها است بدبختانه در عوض به کشتزار مین و زرع تریاک و ریشه کن کردن درختان، خشکاندن گل ها و سبزه ها مبدل شده است . دهاقین ساده و پاک دیانت ما با زن و فرزندان شان از جانب تیکه داران مواد مخدر به زارع تریاک و استحصال آن استخدام میشوند . متاسفانه کشور ما باساس گذارش سازمان ملل متحد نود فیصد مواد مخدر جهان را تمویل میکند . و اکنون مقدم بهار در آستانه سال ۱۳۹۰ هجری شمسی ایستاده است ولی هنوز هم در کشور ما جنگ ادامه دارد. اگر چه طی سال های اخیر در موجودیت جامعه جهانی وضع اندکی تغییر خورده یک مقدار کار در عرصه های مختلف صورت گرفته و لی وضع امنیتی آن طوری نیست که مردم براحتی بتوانند از مراسم عنعنوی و جشن های نوروزی استقبال بعمل بیاورند. متاسفانه امروز هم پاسخ شاد مانی

ها و آزادی های مردم ما صدای وحشتناک انفجاراتی است که دسته دسته زن ها ، مرد ها و کودکان را به کام مرگ میفرستد .

کاش میشد مردمان ما در فضای صلح و امنیت ، آشتی و صمیمیت، بدون جنگ، خشونت، تبعیض، رنج، شکنجه، مرگ، گلوله و انفجارات به اتفاق هم زندگی کنند . اشک ها به لبخند ها مبدل شود تا بتوانیم جشن عنعنوی نوروز را طی سالیان آینده با شادی و سر فرازی استقبال نماییم .

نوروز خجسته باد      گل دسته دسته باد  
دشمن شکسته باد      زنجیر گسسته باد  
بهاران شکفته باد